

## فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

سال سوم - زمستان ۱۴۰۲ - شماره پانزدهم - ص ۳۸۲-۳۹۷

### آیات معاد در نگاه مستشرقان

محمد رضا سبزی<sup>۱</sup>\*

محمد فتحی قره موسی<sup>۲</sup>

#### چکیده

مسأله معاد در قرآن کریم با اهمیّت ویژه‌ای مطرح شده است تا آنجا که شمار آیاتی که به بحث معاد مربوط می‌شود، در حدود یک چهارم قرآن است. روایات اسلامی در این زمینه مباحث مفصل و گسترده‌ای دارند. قرآن کریم برای انسان چهار دوره وجودی را ترسیم می‌کند. موت یک حالت وجودی است نه عدم و نیستی. موت و حیات هر دو مخلوق خداوند هستند. با توجه به آیات قرآن انسان در قیامت نیز مانند دنیا در حال حیات است و حیات انسان با بدن او در ارتباط است. پس معاد جسمانی است. در این نوشتار آیات معاد در نگاه مستشرقان بررسی و پاسخ نقدها و شبهاتی که ایشان به آیاتی که در قرآن در مورد معاد شده است به طور خلاصه و مستند بیان شده است. تمامی شبهاتی که ایشان نسبت به متون اصیل دینی وارد میکنند نه تنها بحث معاد، باطل است همچنان که در نوشتار پیش رو تمام نقدهایی که از ایشان بیان میشود بطلان آن‌ها برای اهل فن و قلم، آشکار است.

واژگان کلیدی: مستشرقان، معاد، قرآن، آیات، شبهه، پاسخ.

\* محمد رضا سبزی، طلبه سطح چهار حوزه علمیه قم، دانش آموخته دکتری رشته قرآن و مستشرقان، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

نویسنده مسئول. [Mohamadrezasabzi950@yahoo.com](mailto:Mohamadrezasabzi950@yahoo.com)

<sup>۲</sup>. محمد فتحی قره موسی، طلبه درس خارج حوزه علمیه قم، دانش آموخته سطح سه رشته کلام موسسه امام صادق علیه السلام.

## مقدمه

تلاش مسلمانان معاصر به منظور برون‌رفت از استعمار سنتی (سلطه و غلبه فیزیکی بر کشورهای مشرق زمین) و استعمار نوین (تربیت دست‌نشانده‌های داخلی هر کشور برای حفظ منافع بیگانگان) زمینه‌ای را فراهم آورده است که اندیشمندان اسلامی بر اساس منابع اصیل اسلامی به دفاع از عقاید خود بپردازند و در برابر هجمه فرهنگی و فکری غرب بایستند.

این نوع نگرش که از نهضت گسترده سید جمال‌الدین اسدآبادی نمود بیشتری داشته است، مسئولیت و رسالتی حساس و مهم را برعهده همه متفکران مسلمان قرار داده است تا در برابر شبهه‌افکنی و تهاجم به مبانی عقیدتی مشرق زمین توسط مستشرقان و دگراندیشان، قلم بگیرند و به دفاع منطقی پرداخته و حقیقت را در سراسر گیتی آشکار سازند.

قرن‌هاست که بسیاری از خاورشناسان به پژوهش درباره قرآن پرداخته و درباره مصدر قرآن، تاریخ جمع و تدوین آیات، ادبیات و ساختار آن و معارف و محتوای قرآن از قبیل مبدأ و معاد دیدگاه‌های گوناگونی ابراز نموده‌اند و آثار متعددی در این‌گونه مباحث منتشر ساخته‌اند. حجم انبوه این آثار قرآن‌پژوهی خاورشناسان در سطح جهان و تأثیرگذاری منفی آن بر اذهان جامعه بشری، نقدهای علمی را می‌طلبد تا حق را از باطل تفکیک و پاسخی منطقی به شبهات آنان ارائه گردد.

مسئولیت صیانت معارف ناب قرآن کریم از دستبرد تحریف‌گران فرهنگی که به وارونه معرفی کردن مفاهیم قرآنی می‌پردازند به ما مسلمانان محول شده است. بنابراین بر عالمان دینی و حوزه‌های علمیه و پرچمداران معارف مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است که پرچم دفاع از کیان اسلام و قرآن و اصلاح اندیشه‌های قرآنی را در قبال تحریف‌گران به دوش گرفته و به نقد و بررسی و پاسخ آن‌ها بپردازند.

در این نوشتار سعی شده است شبهاتی که مستشرقان در مورد آیات مبدأ و معاد مطرح کرده اند نقل شده، نقد و بررسی آن صورت بگیرد و پاسخ مستدل و منطقی از خود آیات قرآن و متون اصیل دینی برای بطلان آن نظریات ارائه شود. اکثر شبهاتی که مستشرقان در امور دینی مطرح میکنند ناشی از فهم ناقص ایشان از دین مبین و نجات بخش اسلام است.

## معنا شناسی معاد

**معاد در لغت:** لفظ معاد از «عاد یعود»، گاهی به معنای مصدری (برگشتن)، گاهی به معنای اسم زمان (زمان برگشتن) و گاهی به معنای اسم مکان (جای برگشتن) است، و از صیغۀ «عود» به معنای برگشت به سوی چیزی، بعد از آن که از آن چیز انصراف شده بود، و از صیغۀ «اعاده» به معنای تکرار چیزی است. (هاشم طهرانی، توضیح المراد، ص ۷۶۶، و سید عبدالله شبّر، حق الیقین، ج ۲، ص ۴۹)

**معاد در اصطلاح:** معاد در اصطلاح فلسفی و کلامی، به معنای بازگشت انسان بعد از مرگ به حیات، برای رسیدگی به حساب اعمال اوست. (جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۴، ص ۲۶۱)

تفتازانی می گوید:

معاد یعنی برگشت اجزای بدن به یکپارچگی، بعد از آن که پراکنده شده بودند؛ برگشت به حیات بعد از مرگ، برگشت ارواح به بدن ها بعد از جدایی. (سعدالدین تفتازانی، شرح المقاصد؛ و نیز ر. ک: عبدالرزاق لاهیجی، گوهر مراد، ص ۴۲۹؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۷۳ و ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۴۶۰).

بنابراین، معاد در اصطلاح فرهنگ اسلامی، برگرفته از همان معنای لغوی و مورد فهم مردم است.

## کاربردهای معاد در قرآن کریم

در قرآن، لفظ معاد یک بار و لفظ «میعاد» و «المیعاد» شش بار به معنای لغوی (زمان یا مکان بازگشت) به کار رفته است.

حدود هفتاد لفظ مانند (یوم القیامه، یوم الحساب، یوم الدین و...) معنای رستاخیز و روز بازپسین را می‌رسانند.

در قرآن کریم و فرهنگ صدر اسلام واژه «معاد» به معنای اصطلاحی (روز قیامت، سرای آخرت و...) استعمال نشده است، تنها متکلمین اسلامی این واژه را به کار برده‌اند.

واژه «قیامت» چه در قرآن کریم و چه در فرهنگ اسلامی، استعمالات فراوانی دارد (ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۵، ص ۵۰). و بیش از هر واژه دیگر، بیانگر واقعیت رستاخیز است؛ زیرا در آن روز هر چیزی قوام می‌یابد و به آنچه باید برسد می‌رسد. (عبدالرضا حجازی، اصول عقاید اسلامی، ص ۵۹۵)

### دیدگاه مستشرقان در مورد معاد

سه نفر به عنوان افراد مطرح در این زمینه معرفی شده‌اند (رک، مبدأ و معاد در قرآن از منظر خاور شناسان (نقد و تحلیل)، ص ۶۸)

۱. خانم جین آیدلمن اسمیت

۲. مک دونالد در هاردفورد؛ صاحب کتاب درک اسلامی از مرگ و رستاخیز

۳. اولیور لیمن در دایره المعارف قرآن خود در مدخل مرگ در بحث از زندگان و مردگان

افراد دیگری نیز در این زمینه اظهار نظر فرموده‌اند اما به قوت دو نفر که در بالا نام برده شد نیستند.

(چیکوپ نوزنز، ویلیام گراهام)

وضعیت مردگان در گور از منظر اولیور لیمن

استدلال وی بدین شرح است:

«برخی استدلال می کنند که مردگان در گور می توانند سلام، دعا و صحبت کسانی را که به زیارتشان می آیند را بشنوند، پذیرش چنین مفهومی دشوار است زیرا نه تنها در متون صریح دینی دلیلی بر آن وجود ندارد که درواقع با بعضی از آیات قرآن و احادیث پیامبر(ص) که منکر برخورداری مردگان از چنین قدرتی است در تضاد قرار می گیرد.» (دانشنامه قرآن اولیورلیمن، ص ۵۳۹).

### مستندات قرآنی اولیورلیمن

۱. «إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدَّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ؛ مَسَلَّمًا تُوْنَمِي تُوْنَىٰ سَخْنَت رَا بَه گُوش

مردگان برسانی، و نمی توانی گرها را هنگامی که روی برمی گردانند و پشت می کنند فراخوانی! نمل ۸۰»

۲. «وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ؛ وَ هَرْگَز مَرْدگَان وَ

زندگان یکسان نیستند! خداوند پیام خود را به گوش هر کس بخواهد می رساند، و تو نمی توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته اند برسانی! فاطر، ۲۲».

مستندات او در این دو آیه این است که صراحتاً قرآن کریم امکان برخورداری مردگان در گور را از قدرت

شنیدن مردود می کند.

### مستند روایی اولیورلیمن

از ابن مسعود روایت شده نقل می کند که پیامبر(ص) فرمودند:

خداوند فرشتگانی دارد که به اطراف زمین سفر می کنند آن ها سلام امتم را به من منتقل کرده و خواهند

کرد. (سنن ابوداود)

نحوه استدلال:

استدلال ایشان در این روایت بدین شرح است که پیامبر ناتوان در شنیدن سلام مسلمینی است که به او سلام میکنند لذا ناچار به استفاده از فرشتگانی شده اند که سلام مردم را به گوش پیامبر برسانند. لذا نتیجه میگیرد که پیامبر قادر به شنیدن سایر خطابات به خود نیست. (ر ک دانشنامه قرآن اولیورلیمن، ص ۵۳۹).

### نقد و بررسی

مؤلف در این بحث نتوانسته است بین بدن مرده و روح او یا به عبارت بهتر میان عالم قبر و عالم برزخ تفکیکی قائل شود، این دیدگاه طابق النعل بالنعل دیدگاه منکران روح و مادیگرایان را به یاد می آورد. دیدگاهی که ایشان مطرح کرده است را میتوان دیدگاهی شبیه دیدگاه وهابییون در این حیطة دانست. (ر ک مبدأ و معاد در قرآن از منظر خاورشناسان (نقد و تحلیل)، ص ۶۹)

### پاسخ قرآنی به نقد مطرح شده

از دیدگاه قرآن بسیاری هستند که از نظر فیزیولوژیکی زنده اند ولی در شمار مردگانند: (ر ک همان، ص ۷۰).

«إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الصَّمَّ الدَّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ؛ مَسَلَّمًا تُوْنِي سَخْتِ رَا بَه كُوش مَرْدِكَا ن

برسانی، و نمی توانی کران را هنگامی که روی برمی گردانند و پشت می کنند فراخوانی!» (نمل، ۸۰)

«وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ؛ و نیز نمی توانی کوران را از

گمراهی شان برهانی؛ تو فقط میتوانی سخن خود را به گوش کسانی برسانی که آماده پذیرش ایمان به آیات ما

هستند و در برابر حق تسلیمند! نمل، ۸۱»

یعنی مخاطب تو زندگانند آن ها که روحی زنده و بیدار و حق طلب دارند نه مردگان زنده نما که تعصب و

لجاجت و استمرار بر گناه، فکر و اندیشه آن ها را تعطیل کرده است.

به عکس کسانی هم هستند که ظاهراً مرده اند اما زندگان جاویدند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ؛ (ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند!

بلکه آنان زنده اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند». (آل عمران، ۱۶۹)

علت این برداشت متفاوت به خاطر آن است که اسلام علاوه بر اینکه معیار حیات و شخصیت انسان را در ارزش های روحانی او می شمارد مسئله وجود و عدم تأثیر و فایده را معیاری برای وجود و عدم حیات می شناسد.

علاوه بر آیات بیان شده دلایل متعدد دیگری نیز موجود است که اسلام قائل به حیات برزخی بوده و کسانی که این شبهات را مطرح میکنند (از جمله وهابيون) که مثلاً از مرده کاری ساخته نیست و مستند خود را با تمام وقاحت همین آیات مطرح شده قرار میدهند، اینها اسلام را به معنای حقیقی خود نفهمیده اند.

پاسخ دیگر که موید بحث ما است، این است که برخی از همین افراد دلایلی را مبنی بر حیات برزخی پیامبر که حتی می تواند صدای کسانی را که به او سلام میدهند را نیز بشنود، مطرح کرده اند. (ر.ک: دوم از رسائل الهدیة السنیة، ص ۲۱).

### پاسخ روایی به نقد مطرح شده

روایات متعددی طرح شده است مبنی بر اینکه پیامبر (ص) و امامان سخن کسانی را که بر آن ها از دور و نزدیک سلام می دهند می شنوند و پاسخ می دهند و حتی اعمال امت را بر آن ها عرضه می دارند. (کشف الارتیاب، ص ۱۰۹).

### سخن استفان وایلد در مورد نعمت های بهشتی

در مدخل جنت می نویسد: «موضوعات جنسی همانند خوردن و آشامیدن، جزئی اساسی و تفکیک ناپذیر از تصویرپردازی انسان مدارانه بهشت است. همواره به انجام امور جنسی پرداخته شده و هیچگاه تأخیری در آن نیست. شهوانیات قرآنی بهشت و به خصوص حوریان، از مقولات اختلافات ضد اسلامی مسیحیان بوده است.» (ر.ک: کتاب «مفاهیم اعتقادی» صص ۱۹۸-۲۰۴).

### نقد و بررسی

بیان خواهیم کرد که چنین تعبیری تحمیل بر قرآن شده و به منظور وهن این کتاب آسمانی مطرح گردیده است.

با توجه به آیات «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ توبه، ۷۲» و نیز «... رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ رَبَّهُ؛ بینه، ۸» روشن می‌سازد که بزرگترین لذت برای بندگان مشاهده جلوه‌های معنوی پروردگار و رضایت و خشنودی پروردگار آن‌هاست. به درستی هم رضایت خداوند از بنده بالاترین لذت‌ها را دربر دارد. و اگر کسی به این مقام برسد سایر لذت‌ها را فراموش خواهد کرد.

### پاسخ

لذا باید به این مستشرق گفته شود که خداوند، مؤمنان را به محل شهوت رانی و ارضاء غریزه جنسی دعوت نمی‌کند بلکه بهشت را دارالسلام معرفی کرده است. و بهشتیان که ساکنان این سرزمین اند گاه با سلام فرشتگان روبه‌رو می‌شوند: «جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ؛ رعد ۲۳ و ۲۴»

و گاه ساکنان اعراف آن‌ها را صدا می‌زنند و می‌گویند: «وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ؛ اعراف، ۴۶» و گاه خودشان به یکدیگر سلام و درود می‌فرستند «وَأَدْخِلْ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ؛ ابراهیم، ۲۳» و بالاتر از همه اینها سلامی از پروردگار است: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ؛ یس ۵۸».

### عذاب‌های دوزخ از نگاه مستشرقان

«فردریک لیمه‌وین» در مدخل «آخرالزمان» از دایرة المعارف قرآن چاپ لایدن می‌نویسد:



«مضمون عذاب در اسلام، همانند مسیحیت و یهودیت، مسئله تعارض آن را با رحمانیت آفریدگار رحمان و

رحیم پیش آورده است.» (ر ک همان، ص ۹۸)

مستشرق دیگری به نام «اشتفان وایلد» در قسمتی از مدخل «جهنم» از دایرة المعارف قرآن اولیورلیمن می

نویسد: (ر ک همان)

«...هدف اصلی وحی قرآن، القای ترس است: خدا زیباترین سخن را به صورت کتابی که آیاتش همانند یکدیگر

و با هم سازگار است، نازل کرده است. آنان که از پروردگارشان می هراسند پوست بدنشان از آن به لرزه می افتد،

سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می گردد...» (زمر: ۲۳-۲۶)

### نقد و بررسی

۱. براساس منابع اصیل دینی به دست می آید که میان دو مقوله «رحمت» و «عذاب الهی» هیچ گونه

تعارضی وجود ندارد. زیرا اولاً عذاب عبارت است از اثر وضعی و تجسم اعمال خود انسان ها و گرنه خدا به احدی

ذره ای ستم روا نمی دارد.

ثانیاً همان خداوندی که خود را ارحم الراحمین و رحمان و رحیم معرفی کرده است همچنین خودش را

اشدالمعاقبین یا شدیدالعقاب دانسته است. «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ مائده ۹۸»، اینکه در

این آیه شدیدالعقاب بر غفور رحیم مقدم داشته شده است اشاره به این است که مجازات خداوند را با تمام شدتی

که دارد می توان با آب توبه شست و مشمول مغفرت و رحمت خدا گشت.

### پاسخ

پس آیات قرآن تحول آفرین بوده و انسان را در مسیر سعادت و رشدی که دارد دچار تحولات و تغییرات

درونی و روحی اثر گذاری میکند. اما اینکه این مستشرق ادعا کرده است که هدف اصلی از نزول وحی الهی

ترساندن مردم است، معلوم نیست.

اولا چرا این آیه را در مدخل جهنم ذکر کرده است؟!

ثانیا هدف اصلی نزول قرآن هدایت مردم و به ویژه هدایت پرهیزکاران است و گرنه آثاری که آیه ۲۳ سوره زمر به آن اشاره کرده است از آثار و تبعات این هدایت است و در هر صورت، آیات رحمت و عطوفت قرآن بیشتر از آیات غضب و انذار آن است. بنابراین اشکال مستشرقان به هیچ وجه وارد نیست.

**مروری بر مدخل معاد شناسی در دایره المعارف قرآن لایدن؛**

### **اهمیت معاد**

آقای جین اسمیت در اهمیت معاد مینویسد:

اینکه خداوند معاد را در کنار توحید یادآور شده نشانه آن است که معاد از مهم ترین پیام های الهی در قرآن به حضرت محمد(ص) است. از آیات قرآن به روشنی فهمیده میشود که میان دنیا و زندگی آخرت رابطه مستقیمی وجود دارد. همچنین قرآن زندگی دنیا و آخرت را این گونه تو صیف کرده است که زندگی دنیا پوچ و بازیچه و زودگذر است درحالی که حیات حقیقی و ابدی و لذت بخش سرای آخرت است. (همان، ص ۱۰۰)

### **پاسخ ایشان به شبهه منکرین معاد**

برخی از منکران قیامت می پرسند وقتی استخوان های آدمیان به خاکستر تبدیل شد چگونه ممکن است دوباره احیا و باز سازی شوند؟ بگو همان خدایی که مخلوقات را در آغاز از عدم آفرید می تواند آنان را دوباره زنده سازد. آنگاه مسئله مرگ و حیات آدمی را مطرح می سازد. آفرینش انسان جزئی از جریان خلقت عالم هستی به شمار می رود. قرآن اظهار می دارد که هر فرد و امتی اجل و مدت زندگی معینی دارد براساس آیه ۲۸ سوره بقره خداوند هر انسانی را دوبار می میراند و دو بار زنده می سازد.

**مسئله مرگ و حیات آدمی؛ Human life and death**

آفرینش از سان جزئی از جریان خلقت عالم هستی به شمار می رود. قرآن اظهار می دارد که هر فرد و امتی اجل و مدت زندگی معینی دارد براساس آیه ۲۸ سوره بقره خداوند هر انسانی را دوبار می میراند و دو بار زنده می سازد. (همان، ص ۱۰۱)

### وقایع روز رستاخیز؛ Signs conditions of the hour

براساس گزارش های قرآنی در روز رستاخیز رخ می دهند مانند شکافته شدن آسمان ها، حمل عرش الهی بر دوش هشت فرشته، اجتماع همه مردم... همه نشانه های قیامت یکباره تحقق می یابد و هیچ کس جز خداوند از زمان وقوع روز رستاخیز خبر ندارد. قرآن می گوید قیامت زمانی می آید که خورشید در هم پیچیده می شوند ستارگان فرو می ریزند کوه ها به حرکت درمی آیند و دریاها می جوشند و آسمان ها از هم می پاشند (همان).

### نفخ صور اول و دوم؛ The trumpet, the resurrection and the gathering

در اینجا آیاتی را یادآور می شود که از صور اول و دوم (دمیدن شیپور) توسط فرشتگان به عنوان آغاز برپایی یوم الحساب خبر می دهند. در آن هنگام همه آدمیان محشور شده و گرد هم می آیند تا به حساب ها رسیدگی گردد. برخی آیات حاکی از آن هستند که حالت چنین انتظاری پنجاه هزار سال طول می کشد درحالی که آیه دیگر می گوید هزار سال به درازا می انجامد. (همان).

### یوم الحساب؛ The reckoning (al-hesab)

فرارسیدن روزی به عنوان روز حساب و دادرسی موضوعی است که پیوسته در آیات قرآن مطرح شده است و اینکه هرکسی اعم از زن و مرد، مسئول اعمال خوب و بدی است که در دنیا انجام داده است. نامه اعمال هرکسی در روز رستاخیز به گردنش آویخته شده است. (همان).

### عبور از پل صراط؛ The crossing of the bridge (sirat)

در قرآن از این پل به طور خاص به عنوان یکی از اوصاف و ویژگی های قیامت بحث نشده است. ولی در روایات آمده است که این پل از مو باریکتر و از شمشیر برنده تر است و هرکس که ایمان و عمل صالح نداشته باشد هنگام عبور از این پل به دوزخ واژگون می شود. (همان، ص ۱۰۲))

### **عذاب آتش؛ نار؛ The torment of the fire (al-nar)**

قرآن برای هر شخصی در روز قیامت یکی از دو حالت پیش می آید یا متنعم شدن در بهشت و یا گرفتار گردیدن به عذاب دوزخ. برای دوزخ هفت نام ذکر گردیده است: هاویه، جحیم، سعیر، جهنم، لظا، سقر، حطام. جهنم دارای هفت دروازه است که هر یک نیز درب های فرعی دارد در انتهای اعماق جهنم، درخت وحشتناک زقوم رشد می کند. (همان)

### **باغ سعادت؛ The bliss of the garden**

قرآن طبقاتی از مردم را نام می برد که در بهشت همواره خواهند بود: کسانی که از ارتکاب اعمال زشت بپرهیزند، تکالیف دینی خود را انجام دهند، ایمان به آیات الهی داشته باشند، اعمال شایسته انجام دهند، صادق باشند، صبور و بردبار باشند، اهل رسیدگی به فقرا و ایتم باشند. آنگاه اسامی بهشت مانند نعیم و فردوس را متذکر می شود سپس به تفسیر آیه «وجوه یومئذ ناضره الی ربهم ناظره» از دیدگاه های مختلف معتزله و اشاعره می پردازد. (همان)

### **نقد و بررسی**

در این مدخل ورود و خروج در بحث مهم معادشناسی از شیوه و وحدت رویه خوبی استفاده نشده است. به این معنا که نویسندگان با ذکر جایگاه و اهمیت معاد... ورود شایسته و قابل انتظاری را ارائه داده است ولی متأسفانه خروج و اتمام کار او در این پژوهش چنین نیست چراکه بدون نتیجه گیری و جمع بندی آن را رها نموده است.

در این مقاله به آیات متنوعی در هر موضوعی استناد شده است که امری پسندیده به شمار می آید.

البته در این مجال از منابع تفسیری و کلامی شیعه بهره ای نبرده است.

عدم پاسخ و تحلیل ایشان به شبهه ای که در مورد اینکه افراد مرده در عالم برزخ دارای شعور و آگاهی

نیستند و صدایی را متوجه نمیشوند.

در جایی از متن این مقاله آمده است که بر اساس آیات قرآن نمی توان با اطمینان سخنی درباره عالم برزخ

بیان نمود و حال آنکه قرآن کریم اطلاعات خوبی در این باره ارائه داده است به عنوان نمونه درباره چیستی عالم

برزخ، ترسیمی از عالم برزخ، پاداش و عذاب برزخ، بهشت و دوزخ برزخی، عذاب قبر، حیات برزخی، حیات برزخی

شهادت، گفتگوی مجرمان در عالم برزخ، برزخ و ارتباط با عالم ارواح و... مطالبی در قرآن ذکر گردیده است که

تفسیر نمونه آن ها را می توان به ترتیب در جلد ۲۳، ۲۰، ۱۸، ۱۴، ۲۷، ۲۲، ۱۸، ۱۴، ۲۰ و ۲۳ و ۲۶ و ۱۴

مطالعه و پیگیری نمود.

بسیار مناسب بود که از معاد جسمانی و روحانی هم بحث کند که آیا از آیات قرآن استفاده می شود که معاد

جسمانی خواهد بود و یا آنکه فقط روح آدمیان متنعم یا معذب خواهند شد.

همچنین سزاوار بود عوامل سعادت یا شقاوت اخروی را به صورت محوری مستقل و روشن بر اساس آیات

قرآن، کاملاً مبسوط بحث و بررسی کند.

## نتیجه

نوشتار پیش رو پس از بررسی لغوی و اصطلاحی معاد، به بررسی این مسئله اعتقادی که در دین اسلام از اصول اعتقادی به شمار می‌رود رفته و آن را از نظر مستشرقان مورد بررسی و کنکاش قرار داد. تمام شبهاتی که توسط ایشان نسبت به آیات مبدا و معاد وارد شده بود نقد و بررسی شده و پاسخی روشن و مستدل برای آن نظریات باطل در زبانی گویا و به طور کاملاً خلاصه ارائه شد. علاوه بر آن نقدهایی به کتب مستشرقان که در این زمینه نگاشته شده است وارد کرده و از نقص و آگاهی کم آن‌ها نسبت به مسائل دینی به خودشان طعنه زده و کم کاری ایشان در فهم دین اسلام را به رخشان کشیده است.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۳۷۵)، لسان العرب ، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.

ابوداود، سليمان بن اشعث(۱۴۲۰ ق)، سنن أبي داود، بيروت: دارالفكر.

اسکندرلو، محمدجواد، مبدأ و معاد در قرآن از منظر خاورشناسان (نقد و تحلیل)(چاپ اول)، قم: انتشارات

جامعه المصطفی العالمیه.

تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۴۱۲ ق)، شرح المقاصد(چاپ اول)، قم: الشریف الرضی.

حائری شیرازی، محی الدین(۱۳۹۹)، تمثیلات اعتقادی علمی، قم: نشر معارف.

حجازی، عبدالرضا(۱۳۵۸)، اصول عقاید اسلامی، تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اطلاع رسانی دانشگاه شاهد.

سجادی، جعفر(۱۳۷۳)، فرهنگ معارف اسلامی(چاپ چهارم)، تهران: کومش.

سليمان بن عبدالوهاب(۱۴۱۲ ق)، الصواعق الالهية(چاپ سوم)، استانبول: مكتبة ايشيق.

شبر، سيدعبدالله(۱۴۱۸ ق)، حق اليقين في معرفه اصول الدين، بيروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

طريحي، فخرالدين بن محمد(۱۳۷۵)، مجمع البحرين، تهران: مرتضوى

عاملی، علامه سيد محسن امين (بی تا)، كشف الارتياح في اتباع محمد بن عبدالوهاب، قم: دارالکتاب

الاسلامی.

فياض لاهيجی، ملاعبدالرزاق (۱۳۷۳)، گوهر مراد ، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

لیمن، الیور (۱۳۹۳)، مترجم: وقار، محمدحسین، دانشنامه قرآن کریم (چاپ دوم)، تهران: اطلاعات.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، علامه حلی، حسن بن یوسف، شارح: حسینی طهرانی، هاشم (۱۳۶۵)،

تجرید الکلام فی تحریر عقاید الاسلام. شرح تعلیقه علی شرح تجرید الاعتقاد (چاپ سوم)، تهران: مفید.